

نقش مادران بر تربیت پهلوانان در شاهنامه

مهسا غفاری، سهیلا مختاری، فاطمه مقدسی نژاد

چکیده

شکل گیری شخصیت هر انسانی بستگی به عامل وراثت و هم چنین نوع تربیت والدین خصوصا مادر دارد. اگر والدین به ویژه مادر، خودشان دارای ویژگی های پسندیده باشند و در تربیت فرزند نیز تمام تلاش خود را به انجام برسانند، فرزندی دارای صفات نیک به بار خواهد نشست.

پهلوانان شاهنامه و مادرانشان از این قاعده مستثنی نیستند. با بررسی داستان های پهلوانان شاهنامه و شرح فداکاری ها، شجاعت ها، درایت مندی های مادرانشان، این نتیجه حاصل می شود که در پرورش شخصیت پهلوانان شاهنامه و ایجاد حماسه های بی نظیر، مادران، نقش به سزا و موثری دارند. در شاهنامه نیز زنانی را همچون فرانک، رودابه، تهمینه، ارنواز، کتایون، و فرنگیس می بینیم که با درایت و فداکاری و عطف و مروت مادرانه ی خود به تنهایی فرزندان و پهلوانانی همچون فریدون، رستم، سهراب، ایرج، اسفندیار و کی خسرو را به دنیا آورده و با تحمل سختی ها و مشکلاتی که بر سر راهشان بوده است پرورش داده اند.

کلید واژه: شاهنامه، مادر، تربیت، پهلوانی

مقدمه:

شاهنامه اثری ماهر است از شرح دلآوری ها و حماسه سازی های بی نظیری که خوانندش روح حماسی هر انسانی را به وجد می آورد. مقالات و کتب متعددی تا کنون در تحلیل وجوه مختلف شاهنامه و خصوصا پهلوانی ها و رزم آوری های آن نوشته شده است. اما مساله ای که تا حدودی مغفول مانده و به میزان کافی مورد بررسی قرار نگرفته است، اهمیت تاثیر ویژگی ها و صفات مادران پهلوانان در شکل گیری چنین شخصیت هایی و رهنمود های حکیمانه و خردمندانه ی آنان در مواقع افتادن فرزندانسان در ورطه ی گرفتاری ها و مشکلات و نزاع ها است.

در این مقاله سعی شده است ضمن بررسی داستان های حماسی پهلوانان شاهنامه، به اعمالی که مادران آنان در جهت حفظ و نگهداری فرزندانسان از آسیب و گزند و پرورش پهلوانانی که در بزرگ سالی توانایی و اراده ی مبارزه و نبرد یا دشمنان و اهریمنان را داشته باشند، پرداخته شده است.

در این جا، تلاش شد تا پهلوانان مشهور و تاثیر گذار شاهنامه و نقش مادران این شخصیت های کلیدی مورد واکاوی قرار گیرد.

رابطه ی مادر و فرزند در شاهنامه

فرزندان در شاهنامه با مادران خود غالبا رابطه ای محبت آمیز، صمیمی و توأم با احترام دارند و این در حالی است که رابطه ی فرزندان به ویژه پسران با پدران خود، غالبا رابطه ای فرا دست و فرو دست را به ذهن القا می کند. در شاهنامه رابطه ی مادران با پسران نسبت به رابطه ی آنان با دختران پایدار تر، عمیق تر و محبت آمیز تر و دو سویه تر است. البته تعامل مهر آمیز مادر و پسر حتی از منظر روان شناسی، یکی از ویژگی های جوامع مرد سالار است.

به عنوان نمونه در شاهنامه تا پایان بخش حماسی، تنها از دو مورد رابطه ی دختر و مادر سخن به میان آمده است که هر دو هم به موضوع ازدواج آنان مربوط می شود. یکی داستان زال و رودابه و دیگری جریره و سیاوش می باشد.

بارز ترین روابط مادر پسری در این اثر، راز داری و مورد اعتماد بودن مادر است. پسر نقشه ها، اهداف، اسرار و دغدغه ها و ناراحتی هایش را تنها به مادر می گوید هر چند که پدر، همسر، برادر و خواهر نیز داشته باشد. (زاهدی و تحصیلی، ۱۳۹۲: ۸)

در ذیل، به ترتیب از آغاز شاهنامه ی فردوسی به نقش تربیتی مادران برجسته ی شاهنامه که بر پهلوانی و موفقیت پهلوانان و اساطیر شاهنامه پرداخته اند می پردازیم.

فرانک:

فرانک به گفته ی فردوسی نخستین مادر شاهنامه است که برای حفظ و پاسداری فرزند خود تلاش کرده است. هنگامی که شویش به فرمان ضحاک در چنگ روزبانان کشته شد، فریدون شیرخواره را که تابناک فر جمشیدی بود، دلخسته و پر گداز از مرگ شوی به نگهداری مرغزاری سپرد تا او را پدر وار و دور از مردمان و پنهانی به شیر گاو بر مایه بپروراند و با او پیمان کرد که جان خویش را گروگان هزینه ی پروراندن فرزند کند و پس از آن که آن جا را نیز امن ندانست، اندیشه ی ایزدی و بخردانه بر سرش راه یافت و فرزند را به کوه البرز برد و به مردی پاک دین سپرد و او را از شر ضحاک و اهریمنان حفظ کرد.

پس بی شک اگر وجود مادری همچون فرانک و شجاعت او نبود فریدون هرگز نمی توانست از شر ضحاک نجات پیدا کند و بتواند روزی بر ضد ضحاک قیام کند و حکومت هزار ساله ی او را از هم فرو بپاشد پس قطعاً وجود مادری چون فرانک است که فرزندی این چنین می پروراند که بر این باور است که حکومت ظالم و ستمگر باید نابود شود. (فرهنگ زنان شاهنامه، ۱۳۸۲: ۱۵۳)